

دوشنبه **•** ۲۶ بهمن ۱۳۹۴ **•** سال سیزدهم **•** شماره ۲۵۲۱ **•** ۹

شرق روزنامه هنر

آیا دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد؟	صفحه ۱۰
چند نکته دربارهٔ عروض نجفی	صفحه ۱۱
از سندرز آنتنیست یهودی تا کروز کشیش زاده	صفحه ۱۲

جمعیه جادو	
	
نامه‌ای به مه‌ران مدیری	
آزموده‌را آزمودن خطاست	
	
احمد طالبی‌نژاد	
آقای مدیری عزیز، می‌دانید که من برای شما به‌عنوان یکی از آغازگران نمایش‌های طنز جدی در تلویزیون احترام قائلم و به‌رغم اینکه چند سالی است اصلا فیلم و سریال‌های تلویزیون را نگاه نمی‌کنم، هرگاه برنامه‌ای از شما روی آنتن برود، توبه‌ام را می‌شکنم. شما و همراهان جوانتان در آن سال‌ها -اوایل دهه ۱۳۷۰، که همه برنامه‌های شادی‌بخش این رسانه در تیپ‌هایی مثل «عبدلی» و «صبح جمعه با شما و استفاده از گویش‌های محلی به‌عنوان مضحکه» خلاصه می‌شد، توانستید آن فضا را بشکنید و با نمایش‌هایی که نشان از نوآوری و شناخت خوب از مقوله طنز و مطایبه همراه بود، فضای عبوس جامعه ایران پس از جنگ را متحول کنید و لبخندی واقعی بر لبان مردم بنشانید. سیر کارهای شما را همیشه باجدیت دنبال کرده‌ام و اشاره می‌کنم به چند نکته عطف از کارنامه شما ازجمله، نقطه‌چین، پاورچین، قهوه تلخ، شب‌های برره و فصل دوم «در حاشیه» که تا همین چند شب پیش ادامه داشتند، یا به باحث شد تا شان شخصیت هنری شما نزد داشت به سوی کمال می‌رفت که نمی‌دانم چرا به صورت ناگهانی، قیچی‌اش کردید یا کردند؟ البته در کارنامه شما علاوه بر نمونه‌هایی که ذکرش رفت، چند ناگامی هم دیده می‌شود. ازجمله «ویلاي من» و «عطسه» و، یکی، دو نمونه دیگر که در حد و اندازه شما و گروهتان نبود. علاوه بر این یک اشتباه نه‌چندان کوچک- شرکت در یک مهمانی کاملا سیاسی- هم باعث شد تا شان و شخصیت هنری شما نزد مردم مخدوش شود. هر چند برخی دیگر هم از این خطاها مرتکب شدند و حالا دارند با حرف‌های ساختگی و دیرنگام، گناه این خطا را بر گردن دیگران می‌اندازند. باری، شما هنوز سقوط نکرده‌اید که آدم از آینده‌تان ناامید نشود. هنوز هم به رغم همه اشتباه‌ها و خطاها، ازجمله بهترین‌های این عرصه هستید. ولی نیاز به استراحت دارید و امیدوارم در آینده‌ای نه‌چندان دور، با همان قدرت و قوت پیشین، بازگردید. به‌عنوان یک دوستدار شما پیشنهاد می‌کنم مدتی به مرخصی بروید و با خودتان خلوت و کارنامه‌تان را مرور کنید. البته می‌دانم که بچه‌ها بزرگ می‌شوند و خرج زندگی بالا می‌رود. نمی‌دانم چند فرزند دارید و البته و خوشبختانه، جز نزدیکانان اغلب مردم ازجمله بنده، درمورد زندگی خصوصی شما چیزی نمی‌دانیم و چه بهتر، اما اگر هم برج‌های زندگی تا بالا رفته باشد، دلیل نمی‌شود که برای جبران‌ش تحت هر شرایطی و با حداقل‌ها کار کنید. شما با قهر معنی‌دارتان با تلویزیون در چند سال گذشته موفق‌تان به استفاده از بازار خانگی، مخالفت خود را با کسانی که رسانه ملی را بدل به رسانه حزبی کردند، اعلام کردید. آن عرصه، محملی بود که مردم فارغ از ممیزی‌ها می‌توانستند محفل سرد خانوادگی‌شان را گرمابخشد. مسیری که همچنان ادامه دارد و در عین نامیدی می‌دیدم که حرکت شما چه در نظر متن و چه به لحاظ اجرا رو به پیشرفت دارد. بگذارید بگویم، کارگردانی شما در این مجموعه از دیگر ساخته‌هایتان یک سرگردن بالاتر بود. برخی این ویژگی را ناشی از عدم حضور خودتان در مقابل دوربین می‌دانند که البته کم‌وبیش درست هم هست. ولی به یاد داشته باشیم که در مجموعه‌های موفق‌تان که به آنها اشاره شد، خودتان هم بازی داشتید و اصلا مردم اغلب شما را به‌عنوان یک بازیگر موفق نقش‌های طنز می‌شناسند. اما وقتی هیچ چیزی جای خودش نیست و همه‌چیز باری به هر جهت پیش می‌رود- مثل «در حاشیه ۱»، شما هم به‌عنوان بازیگر، ناتوان جلوه می‌کنید. مهم‌ترین مشکل «در حاشیه ۲» استفاده از شیوه‌های سطحی بازیگری توأم با لودگی توسط برخی بازیگران‌تان بود. ازجمله مسئول «در حاشیه ۲» خوشم آمد و در عین نامیدی تفاوت بازی‌کردن با ادا‌درآوردن را نمی‌داند و یا فیکور تکراری و چندش‌آور مه‌ران غفوریان برای نمایش تعجب یا حیرت‌زدگی با چپ‌وچوله‌کردن چشم‌ها که واقعا از شما و حتی از خود غفوریان که بازیگر خوبی است، بعید بود. درعوض سیامک انصاری که همیشه خوب بوده، این‌بار از خوب هم خوب‌تر بود. بازی استانداردانه او چه در قالب دکتر هومن و چه در نقش تیمور، می‌تواند الگویی باشد برای کسانی که هنوز تفاوت طنز و لودگی را نمی‌دانند. به‌هرحال، بخش این اثر و ماندن چند ردیف تماشاگر نیستسته بر زمین، تا آخر این نمایش طولانی، نشان از توانمندی نمایش در ایجاد کشش دراماتیک در جهان مخاطب دارد.	

دریچه

طبا‌نچه‌خانم، روایتی انتقادی از شکست محسن خیمدموز

اخترالسلطنه (طبا‌نچه‌خانم)، زن مقتدر دوران قاجار و کاراکتر طراحی‌شده در این دوران، می‌خواهد با زبان نقد، با زبان طرح آسیب‌ها، با زبان هشدار، با زبان طنز بُرنده، گاه با تمهیدات منفعتی و گاه با اعمال زور از طریق قانون، حتی با تهدید اینکه اگر مناسبات و افراد اصلاح نشوند از طبا‌نچه موروثی‌اش استفاده می‌کند (هر چند چنین کاری نمی‌کند)، قصد دارد قانون و قانون‌مداری را بر مردم سلخسته زمانه‌اش حاکم کند، اما قدرتی برتر از او، اجازه استفاده و نگه‌داری از طبا‌نچه‌های موروثی خاندانش را نمی‌دهد و همین مورد، تضاد بین طبا‌نچه‌خانم و قدرت مسلط را افزایش می‌دهد. تا حدی که طبا‌نچه‌خانم به رزندان می‌افتد ولی بعد از چند روز آزاد می‌شود و در بیرون به مردم غوطه‌ور در تعفن اعتراض می‌کند. نمایش‌های مشابه، پیش از این، با به قدرت‌های مسلط نقد داشتند. یا به انحطاط تاریخی که طبا‌نچه‌خانم به رزندان می‌افتد و پس از این، با به قدرت‌های مسلط نقد داشتند. یا به انحطاط تاریخی جامعه اشاره کردند، یا به طرح انزوا‌ی شخصیت‌های تأثیرگذار پرداختند، یا تنهایی کاراکترهای حاشیه‌ای را روایت کرده‌اند. اما طبا‌نچه‌خانم، نمایشی است که توانسته بازیگر نقش اصلی‌اش را در یک میزانشسن خوب، مقابل مخاطبش قرار دهد. او را به هدف انتقادهایش تبدیل کند، با او دربارۀ بی‌کفایتی تاریخی‌اش سخن بگوید و در سطحی وسیع‌تر از مخاطب ضروری، مردم عادی جامعه‌اش را نقد کند. همان مردمی که تحولات تاریخی را رقم می‌زنند

ولی مسئولیت پیامدهای منفی و فاجعه‌بار کار خود را نمی‌پذیرند، (زیرا اساسا به چنین فجایعی آگاهی و شناخت ندارند). طبا‌نچه‌خانم به این معنا، نمایشی قابل اغماضست، چراکه توانسته یک «نقد تاریخی» و یک «ضرورت دراماتیک» را با هم جمع کند و سستری به نام یک «نقد دراماتیک» را به صحنه برود. طبا‌نچه‌خانم، در این نقادی تاریخی، نگاه‌ی نو و ابتکاری داشته، چراکه ضرورت چنین نقادی را دریافته و آن را به فرم خوبی دراماتیک ساخته است. کافی است کمی در گذشته رفتاری خود تأمل کنیم تا اهمیت این نکته که اساس نمایش طبا‌نچه‌خانم است، روشن شود: همان گذشته‌ای که در آن بارها با گفتن «حالا وقت این حرفا نیست»، یا «در این بُرهه حساس کنونی، از این حرفا نباید زد»، ضرورت تاریخی نقد خود، منتفی شده و اج‌رای آن به تعویق و به تعلیق دچار شده و درنهایت هم به یابگانی سپرده شده؛ همان ضرورتی که نمایش «طبا‌نچه‌خانم» در حد و توان خودش، به آن پاسخ داده است.

طبا‌نچه‌خانم، با کارگردانی مناسب در اجرا، نویسندگی مناسب در متن، طراحی چشم‌نواز صحنه، لباس و میزانشن‌ها و بازی‌های حرفه‌ای و قابل قبول، از کارهای خوب جشنواره سی‌وچهارم تئاتر فجر ۹۴ است؛ نمایشی که هم در اجرای عمومی با موفقیت روبه‌رو خواهد شد و هم احتمال برنده‌شدن جوایزی در این جشنواره را دارد. استقبال مخاطبان از این اثر و ماندن چند ردیف تماشاگر نیستسته بر زمین، تا آخر این نمایش طولانی، نشان از توانمندی نمایش در ایجاد کشش دراماتیک در جهان مخاطب دارد.



عکس: شرق

علیرضا برزگر، دانیال جلالی و حمید نعیمی از «آوان» می‌گویند

روایتگر حال خودمان بودیم

اقلیمی می‌آید و آن اقلیم دارای چه فرهنگی هست و اینکه اینها به چه صورت می‌توانند کنار هم قرار بگیرند. اگر شخصا بخواهم درباره آوان صحبت کنم، باید بگویم بازتاب‌دهنده موسیقی خودمان هم هست. یعنی جوان‌ها متوجه نشوند که سازه‌ای سستی ما چه قابلیت‌هایی در حوزه اجرایی می‌تواند داشته باشد و اینکه موسیقی ما محدودیتی با موسیقی‌های دیگر ندارد و می‌تواند با آنها عجین شود و دیده شود. شاید یک جوری سلیقه موسیقی ما نامرغوب باشد. زیرا از زمانی که رادیو را روشن می‌کنیم یا تلویزیون یا شبکه‌های اجتماعی، در معرض انواع موسیقی قرار می‌گیریم که با اسم‌های نادرست ارائه می‌شود. آن چیزی که به اسم پاک هست، شاید باب نباشد و موسیقی سنتی همین‌طور. اول باید این را بررسی کنیم و بعد به سمت این برویم که چرا در حوزه موسیقی خودمان به هیچ‌وجهی به موسیقی جهان پایبند نیستیم. ما در این موسیقی آثار اقلیمی‌های دیگری را هم داریم. این هم به این دلیل که موسیقی از ما طلب می‌کرد. در مورد اسم هم که ابتدای صحبت پرسیدید، باید بگویم ما این نام را در یک رمان پیدا کردیم. معنای آن هم به گونه‌ای به ذهنیت ما نزدیک بود. آوان به معنای پیشرو، دُور و زمان است. کاری که ما انجام می‌دهیم در برگزیده زمانی است که در آن زندگی می‌کنیم، یا همه دغدغه‌ها و گرفتاری‌هایمان. ما محصول زمان خودمان هستیم. فکر کردیم این نام می‌تواند بازتاب‌دهنده خودمان باشد.

❧ **با این همه پیشنهاد دارید. یعنی وقتی شما آلبومی را ارائه می‌دهید، پیشنهاد می‌کنید که من را گوش کنید.**

برزگر: درست است اما زمان مشخص می‌کند که این موسیقی می‌تواند بماند یا نه؟ در همین زمان گروه‌های زیاد فیوزن بودند که کارهای خوبی هم داشتند. اما چرا دیده نمی‌شوند؟ شاید یک دلیلش حمایت‌نشدن و ناآگاهی کسانی است که در این حوزه کار می‌کنند. اگر ما می‌گوییم ۹ ترک آلبوم ما حدود صد روز طول کشیده است، به این دلیل است که ما سر تک‌تک لحظه‌های موسیقی بحث کردیم و چالش داشتیم که این موسیقی می‌تواند مورد توجه مخاطب باشد یا نه؟ ما سر فواصل تنها بحث می‌کردیم و حتی به این موضوع رسیدیم که نیازمند یک تحقیق هم بود که فیوزن چیست و تفاوتش با آنچه ارائه می‌شود در چیست. همه گروه‌هایی که در حال‌حاضر کار می‌کنند محترم هستند و به سهم خودشان تلاش می‌کنند.

جلالی: در ادامه و تأیید صحبت آقای برزگر باید بگویم که ما محصول آن خود بودیم. یعنی تکرار است که بگویم ما به واقع خودمان را روایت کردیم. همان‌طور که علیرضا گفت، آوان به معنای گذر و زمان است و ما با موسیقی گذر کردیم. هدف مشخص نبوده است. همین خلق در حال بود که «آوان یک» با «آوان دو» تفاوت زیادی دارد. آوان دو با سه تفاوت دارد. چون مثل خود ما در حال تغییر است. شما اشاره کردید که چرا موسیقی این قدر سریع تغییر می‌کند، چون زندگی ما به سرعت عوض می‌شود. به آنی است که همه حال‌وهوا تغییر می‌کند. با اشاره‌ای می‌تواند مسیر تغییر کند. در جوامعی که برای پرورش انسان

❧ گفتید هر کدام از شما به دلیل نوع تخصصی که داشتید کنار هم‌دیگر قرار گرفتید و گونه‌ای موسیقی را کار کردید که بسیار سهل و ممتنع است. موسیقی تلفیقی در ایران از آن سبک موسیقی‌هاست که تعریف دقیقی ندارد. این روزها خیلی موسیقی‌های متفاوتی می‌شنویم که اسم تلفیقی یا فیوزن بر آن می‌گذارند. اما تلفیقی نیست. اما موسیقی آوان این‌گونه نیست و می‌توان به جرئت گفت که این موسیقی تعریف درست کلمه را درک کرده و به آن وابسته است.
جلالی: ما را روایتگر حال خودمان بودیم. هدف‌گذاری نکردیم بنشینیم و فکر کنیم که می‌خواهیم فیوزن کار کنیم. خودمان را روایت کردیم. جوانی که در ماشین نشسته و موسیقی گوش می‌دهد که ترک اولش مایکل جکسون باشد و بعدی استاد شجریان. این غوغای دهه نود ایران را روایت می‌کنیم. نه دغدغه این را داریم که بگویم پیشروایم و این سمت و سویی که می‌رویم آینده را نشان می‌دهد و نه نت‌شخوار قبل هستیم. خودمان را روایت کردیم و ناخودآگاه رنگ سانسکوفون در کنار کمانچه، یک فرایند فیوزن را شامل می‌شود. اما در فرایند ساختاری ما استراکچر خیلی خاصی نداریم و به خاطر اینکه شبیه گونه‌های دیگر نباشد، فیوزن نام‌گذاری شده است. هرچند که هرگونه موسیقی دیگری هم می‌تواند فیوزن باشد. اما در حوزه آکادمیک، فیوزن می‌تواند دقیق‌تر و کامل‌تر باشد.

❧ **آقای جلالی به موسیقی‌ای که جوان‌ها گوش می‌کنند اشاره کردند. نکته‌ای که در آوان هم دیده می‌شود. ما از یک موسیقی سستگین سنتی یک دفعه جهش می‌کنیم به یک موسیقی شاد و بعد به سمت راک یا جاز می‌رویم. چقدر توانستید خواست جوان‌ها را در کارتان بازتاب بدهید و اصلا دنبال این بودید که کاری را ارائه دهید که همه آنچه آنها می‌خواهند را در موسیقی خودتان نشان دهید؟**

برزگر: ما اول باید ریشه‌هایی کنیم که چرا این فرم موسیقی می‌تواند برش و برد بیشتری بین جوان‌ها داشته باشد. فکر می‌کنم سلیقه شنیداری ما دچار اختلال است. در یک سردرگمی به‌سر می‌بریم که نمی‌توانیم تصمیم بگیریم که به چه سبک موسیقی علاقه‌مندیم. شاید درست نباشد که به یک سبک خاص علاقه داشته باشیم. همه موسیقی‌ها را باید شنید. چرا این زائر از ژانرهای دیگر بیشتر شنیده می‌شود، به بخش فرهنگی هر ساز باید نگاه کنیم. اینکه از چه ساز، در یک سردرگمی به‌سر می‌بریم که نمی‌توانیم تصمیم بگیریم که به چه سبک موسیقی علاقه‌مندیم. شاید درست نباشد که به یک سبک خاص علاقه داشته باشیم. همه موسیقی‌ها را باید شنید. چرا این زائر از ژانرهای دیگر بیشتر شنیده می‌شود، به بخش فرهنگی هر ساز باید نگاه کنیم. اینکه از چه ساز،

❧ **نه اتفاقا من متوجه صحبت شما شدم. اگر می‌گویم به نظر بده‌ام می‌آید در آن لحظه رخ‌دادش است. یعنی توی آن و ثانیه، حال و هوایش تغییر می‌کند و به یک موضوع دیگر جهش می‌کند.**

جلالی: من فقط باید بگویم که ما هر سوزه را به شکل یک ملودی در نظر گرفتیم. این اتفاق باعث شده تا سمت‌وسوی ملودی مشخص شود. از این لحاظ در گذر است. والا این موسیقی امپروواز موسیقی در گذر است.

❧ **موسیقی تلفیقی در سراسر جهان تعریف و جایگاه‌های متفاوتی دارد. آوان**



فرزانه ابراهیم‌زاده

گروه آوان به دنبال روایت زندگی روزمره به زبان موسیقایی است. برش‌هایی که از دل اتفاقات جامعه و محیط امروز ما بیرون آمده و در قالب نت‌های موسیقی ارائه می‌شود. این گروه موسیقی گفت‌وگو‌محور، موسیقی‌های دیگر را با محوریت موسیقی دستگاهی و مقامی ایران و کشف نشانه‌های مشترک آن با موسیقی سایر ملل به نمایش می‌گذارد. گروه موسیقی آوان سنت و مدرنیته را به هم گره زده است. این موسیقی به آهنگ‌سازی علیرضا برزگر، دانیال جلالی و حمید نعیمی با تنظیم دانیال جلالی پیشنهاد‌های تازه‌ای را به مخاطبان موسیقی می‌دهد. در این گروه موسیقی علیرضا برزگر، نوازنده سنتور، حمید نعیمی نوازنده گیتار الکتریک، دانیال جلالی نوازنده سانسکوفون و کلارینت، مهرداد مهدی نوازنده آکاردئون، میلاد مسرادی نوازنده کمانچه، ازرش ضرابی نوازنده کنترباس، فرید فرزریان‌پور نوازنده درامز، رشاد شالیوش نوازنده برپت و دیوان آکوستیک، دیوان الکتریک و برزو بهرامی نوازنده پرکاشن حضور دارند و قرار است در جشنواره موسیقی فجر به اجرا بپردازند و به‌زودی آلبوم آوان را روانه بازار کنند. به همین بهانه در گفت‌وگو با علیرضا برزگر، دانیال جلالی و حمید نعیمی از آوان و موسیقی تلفیقی کنیم. موسیقی‌ای که بدون کلام سعی دارد پیشنهاد‌های تازه‌ای به موسیقی ایران بدهد.

❧ **از آوان شروع می‌کنیم چطور شد که شما سه نفر در کنار هم قرار گرفتید و گروه آوان را تشکیل دادید؟**

جلالی: ما سه نفر، سه چهار سال در کنار هم‌دیگر دوستان موسیقایی و غیرموسیقایی بودیم. ثمره این مصاحبت رسیدن به دغدغه‌های مشترک بود. این دغدغه‌های مشترک، منجر به تشکیل آوان شد. البته قبل از آوان یک گروه کوچک داشتیم که می‌توانیم به نوعی گروهی تلفیقی بدانیم که آثارش از همنشینی سازهایی چون گیتار، سنتور، کمانچه و دیوان شکل گرفت. بعد از مدتی بحث خیلی جدی‌تر شد و تصمیم گرفتیم یک نوع آهنگ‌سازی شاید بشود گفت جدید، حداقل در ایران را داشته باشیم. این هدف در ذهن ما بود و آن را به صورت دائمی تکرار می‌کردیم تا به یک سلیقه مشترک رسیدیم و کارمان را آغاز کردیم.

❧ **آوان از همین جا شکل گرفت؟**

جلالی: نوشتن آوان که ۹ نفر نوازنده با تعداد سازه‌ای بیشتر دارد از همین‌جا شکل گرفت و نوشتن موسیقی آن حدود سه ماه طول کشید و ضبط موسیقی‌اش هم سه ماه طول کشید و بعد از آن که آماده‌سازی آلبوم بود، حدود یک سال و نیم، نزدیک به دو سال زمان برد.

❧ **گفتید هر کدام از شما به دلیل نوع تخصصی که داشتید کنار هم‌دیگر قرار گرفتید و گونه‌ای موسیقی را کار کردید که بسیار سهل و ممتنع است. موسیقی تلفیقی در ایران از آن سبک موسیقی‌هاست که تعریف دقیقی ندارد. این روزها خیلی موسیقی‌های متفاوتی می‌شنویم که اسم تلفیقی یا فیوزن بر آن می‌گذارند. اما تلفیقی نیست. اما موسیقی آوان این‌گونه نیست و می‌توان به جرئت گفت که این موسیقی تعریف درست کلمه را درک کرده و به آن وابسته است.**

جلالی: ما را روایتگر حال خودمان بودیم. هدف‌گذاری نکردیم بنشینیم و فکر کنیم که می‌خواهیم فیوزن کار کنیم. خودمان را روایت کردیم. جوانی که در ماشین نشسته و موسیقی گوش می‌دهد که ترک اولش مایکل جکسون باشد و بعدی استاد شجریان. این غوغای دهه نود ایران را روایت می‌کنیم. نه دغدغه این را داریم که بگویم پیشروایم و این سمت و سویی که می‌رویم آینده را نشان می‌دهد و نه نت‌شخوار قبل هستیم. خودمان را روایت کردیم و ناخودآگاه رنگ سانسکوفون در کنار کمانچه، یک فرایند فیوزن را شامل می‌شود. اما در فرایند ساختاری ما استراکچر خیلی خاصی نداریم و به خاطر اینکه شبیه گونه‌های دیگر نباشد، فیوزن نام‌گذاری شده است. هرچند که هرگونه موسیقی دیگری هم می‌تواند فیوزن باشد. اما در حوزه آکادمیک، فیوزن می‌تواند دقیق‌تر و کامل‌تر باشد.

❧ **آقای جلالی به موسیقی‌ای که جوان‌ها گوش می‌کنند اشاره کردند. نکته‌ای که در آوان هم دیده می‌شود. ما از یک موسیقی سستگین سنتی یک دفعه جهش می‌کنیم به یک موسیقی شاد و بعد به سمت راک یا جاز می‌رویم. چقدر توانستید خواست جوان‌ها را در کارتان بازتاب بدهید و اصلا دنبال این بودید که کاری را ارائه دهید که همه آنچه آنها می‌خواهند را در موسیقی خودتان نشان دهید؟**

برزگر: ما اول باید ریشه‌هایی کنیم که چرا این فرم موسیقی می‌تواند برش و برد بیشتری بین جوان‌ها داشته باشد. فکر می‌کنم سلیقه شنیداری ما دچار اختلال است. در یک سردرگمی به‌سر می‌بریم که نمی‌توانیم تصمیم بگیریم که به چه سبک موسیقی علاقه‌مندیم. شاید درست نباشد که به یک سبک خاص علاقه داشته باشیم. همه موسیقی‌ها را باید شنید. چرا این زائر از ژانرهای دیگر بیشتر شنیده می‌شود، به بخش فرهنگی هر ساز باید نگاه کنیم. اینکه از چه ساز،